الباب التاسع من الواحد الثامن و لیکتب کل نفس اسمه و…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب التاسع من الواحد الثامن** و لیکتب کل نفس اسمه و ما قد عمل من خیر و دونه من اول ظهور الامر الی یوم غروبه و لیحفطنه الاوصیاء الی یوم یظهر فیه الشجرة.

ملخص این باب آنکه از مبدأ ظهوری تا ظهور دیگر اذن داده شده که هر نفسی نویسد در کتاب خود بخط خود یا بخط دیگری آنچه در بیان کسب نموده و همچنین اگر قبل از دخول خود کسب دون خیری نموده تا آنکه در قیامت بعد عاملین در ظهور قبل جزا داده شوند اگر محتجب از شمس حقیقت نگردند و الا میشود که ظاهر شود و اون هنوز مثل قبل عمل میکرده باشد چنانچه هزار و دویست و هفتاد سال است که قرآن نازل شده وهنوز آنها بانجیل عمل میکنند

و همچنین در نزد هر ظهوری مشاهده کن امر الله را و محتجب ممان که یوم قیامت یومی است مثل امروز شمس طالع میگردد و غارب چه بسا وقتی که قیامت بر پا میشود در آن ارضی که قیامت بر پا میشود خود اهل آن مطلع نمیشوند چونکه اگر بشوند تصدیق نمیکنند از این جهت بایشان نمیگویند مثل ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - چونکه نتوانستند متحمل شد بغیر مؤمنین نفرمودند ظهور قیامت را

و آن یومی است بسیار عظیم شجرۀ که لم یزل نطق او اننی انا الله لا اله الا انا بوده ظاهر میشود و کل محتجبین گمان میکنند که آن نفسی است مثل خود واسم مؤمن که در ملک او الی ما لا نهایه بادنی مؤمنین باو در ظهور قبل او صدق میشود از او منع مینمایند چنانچه در ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - اگر آن حضرت را مثل یکی از مؤمنین زمان خود میدانستند چگونه هفت سال در جبل حایل میشدند ما بین او و بیت او و همچنین در ظهور نقطۀ بیان اگر آن اسم را منع نمیکردند چگونه میتوانستند در جبل ساکن کنند و حال آنکه کینونیت ایمان بقول او خلق میشود این است که چون اعین افئده ندارند نمی بینند و آنها که دارند که مثل پروانه در حول مصباح حقیقت طواف نموده تا سوزند از این جهت است که یوم قیامت را اعظم از هر یومی گفته و الا یومی است مثل کل ایام الا آنکه ظهور الله در آن ظاهر است

و ثمرۀ امر این باب آنکه لعل در آن روز چشم اون باز باشد که بیند محبوب خود را و در آنروز تواند نوشت آنچه که کسب کند زیرا که تا قیامت دیگر حکم بر آن میشود و آنچه که نقطۀ بیان باید نویسد آن است که آنچه قبل آن بود رافع شد بسوی آن و خداوند او را نازل فرمود بمن این است آنچه او کسب نموده در قیامت کل هم بر جوهر وجود آنچه کسب کنند نویسند لعل ذکر ایشان یوم قیامت بین یدی الله مذکور شود اگر توانند در آن روز در نار توحید داخل شوند و الا شب و روز گریه میکنند و محبوب ایشان ظاهر میشود و نمیشناسند مثل آنکه منتظرین احمد موعود را کل نصاری منتظراند و تضرع از برای ظهور او میکنند و حال آنکه حال هزار و دویست و هفتاد سال است که از ظهور آن میگذرد

بینا باش بعین فؤاد خود آن روز که محتجب نمانی و قیامت بر پا شود و تو خبر نشوی که بر خداوند است اخبار تو ولی اگر شنوی و او است اخبار ”من یظهره الله“ اگر قبول کنی

و لتتوکلن علی الله ربکم الرحمن ثم ما تکسبن من خیر و دونه من قیامة الی قیامة تکسبون.

